



اسیدپاشی به چهره حجاب موج سواری ضد انقلاب

ماجرای اسیدپاشی‌های اصفهان که طی آن شخص یا اشخاصی با هویت فعلا نامعلوم، به چهره چند زن و دختر بی‌گناه اسید پاشیدند، در روزهای اخیر، موضوع رسانه‌ها و محافل شده و روز به روز دامنه و موج تازه‌ای پیدا می‌کند.

ماجرای اسیدپاشی‌های اصفهان که طی آن شخص یا اشخاصی با هویت فعلا نامعلوم، به چهره چند زن و دختر بی‌گناه اسید پاشیدند، در روزهای اخیر، موضوع رسانه‌ها و محافل شده و روز به روز دامنه و موج تازه‌ای پیدا می‌کند.

اصل ماجرا از آنجا آغاز شد که اعلام شد در اصفهان، به چهره زن جوانی اسید پاشیده شده و اندکی بعد هم اعلام شد این حادثه تکرار شده و این تکرار ادامه یافت! تا آنجا که طی چند روز، 4 حادثه اسیدپاشی در شهر آرام و مذهبی اصفهان رقم خورد و زمینه‌ای شد برای اما اگرهای فراوان. از یک سو مردم و خانواده‌هایی که این اخبار را می‌شنیدند، نگران سلامت خود و فرزندانشان بودند و از دیگر سو دائما بر التهاب و تب و تاب ماجرا افزوده و بازار شایعات داغ و داغتر می‌شد.

حتی در همان یکی دو روز اول، اخبار دیگری حاکی از اسیدپاشی زنجیره‌ای در تهران و دیگر شهرستان‌ها شایع شد! اما واقعا ماجرای اسیدپاشی چه بود و چرا در کوتاه‌زمانی با این حجم وسیع و با این شایعات گسترده در جامعه منتشر شد و آرامش روانی جامعه را مختل کرد؟! در این هیاهو اصل موضوع، یعنی آسیب دیدن چند انسان بی‌گناه، عملا به بوته فراموشی سپرده و موضوع تازه‌ای پیش کشیده شد. موضوعی که آشکارا حکایت از یک سناریو داشت! سناریوی پیوند عاملان حادثه اسیدپاشی با حامیان حجاب و عفاف در جامعه! این سناریو آنقدر برای بانیان آن مهم و ارزشمند بود که نه تنها سلامت قربانیان حادثه را فراموش کردند، بلکه حاضر شدند برای آن آبروی آنها را هم به بدترین شکل ممکن مخدوش کنند و آنها را انسان‌هایی لالابالی و بی‌قید نسبت به حجاب و مقدسات نشان دهند!

رد پای روباه!

اولین بار این BBC، بنگاه خبری روباه پیر استعمار بود که 2 کلیدواژه اسیدپاشی و حجاب را در کنار یکدیگر قرار داد و کوشید این موضوع را به هزار دروغ و نیرنگ در ذهن مخاطب جا بیندازد که اسیدپاشی کار کسانی است که قرار بود برای حجاب و عفاف، امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند! آنها به مصاحبه و سخنان قبلی مسئولان انصار حزب‌الله تهران استناد می‌کردند که گفته بودند قصد داریم در «تهران» گشت موتورسوار به راه بیندازیم. گشت‌هایی که حسب گفته مسئولان، صرفا به بحث تذکر لسانی می‌پرداختند نه بیشتر. با آنکه همان تذکر لسانی و حرکت گشت‌های موتورسوار هم هرگز رخ نداد و مسئولان انصار صراحتا اعلام کردند از این کار منصرف شده‌اند. BBC ترجیح داد چشمش را به این حقیقت آشکار و اعلام شده ببندد و با دروغ‌پردازی و داستان‌سرایی، سناریوی خود را به پیش ببرد. سناریویی که حتی یک گزاره برای اثبات صحت و درستی آن وجود نداشت، همزمان با BBC، دیگر رسانه‌های آن سوی مرزها هم موج رسانه‌ای را دامن زدند و به سهم خود کوشیدند ایران را ناامن و آشوب‌زده ترسیم کنند! آنها که فراموش کرده بودند چند روز قبل خبرنگار گاردین در ایران از امنیت عجیب و آرامش دلنشین کشورمان گزارش کرده داده بود، آن هم در بین کشورهای همسایه که هر یک به نوعی دستخوش ناامنی و بلوا و آشوب هستند.

زنجیره‌ای‌ها؛ حرکت!

با انتشار گزارش‌های دروغین و جهت‌دار BBC، برخی از زنجیره‌ای‌های داخلی مثل سربازانی که حکم آتش گرفته باشند، دستور کار را فهمیدند و مطیع و رام، موج داخلی را دامن زدند! آنها به تاسی از فرماندهان خارجی، به تیتراژی و گزارش‌پردازی پرداختند و در حالی که کمترین اطلاعی از هویت و نیت عامل یا عاملان این حوادث منتشر نشده بود، آتش کینه‌ها و عقده‌های خود را به روی قشر مومن و مسلمان جامعه گشودند و بی‌هیچ دلیل و مدرکی، آنها را متهم کردند که با این رفتارها قصد دارند به افراد بدحجاب هشدار بدهند! اما این تنها کارکرد آنها نبود. آنها، که هیچگاه مردم و آرامش آنها برایشان مهم نبوده است، در تیتراهای خود فضای جامعه را چنان ترسیم کردند که گویی سر هر گذاری یک نفر با گالنی اسید ایستاده و منتظر اولین نفر است تا محتوای آن را تماما به سر و روی او بپاشد! حتی از لزوم آموزش تلویزیونی راه‌های

برخورد با اسیدپاشی و آسیب‌دیدگان این حوادث سخن گفتند!

تیترها یا تیرهای مسموم!

برای نمونه و شاهدی بر آنچه ذکر شد، چند تیتتر از انبوه تیترها و مطالب جهت‌دار و مغرضانه زنجیره‌ای‌ها در چند روز گذشته ارائه می‌شود تا راحت‌تر بتوان قضاوت کرد که اطلاع‌رسانی هدف آنهاست یا تخریب چهره مؤمنین و تشویش اذهان عمومی مردم!

ایران؛ انزجار عمومی از اسیدپاشی در اصفهان

مسئولان دولت، نمایندگان... بر پیگیری ماجرای تکان‌دهنده اسیدپاشی زنجیره‌ای اصفهان و معرفی عوامل آن تأکید کردند.

اسرار؛ هوای اصفهان اسیدی است، تمام شیشه‌ها بالا

اصفهان زیبا، امنیت شهر، زیر سایه اسید و شایعه.

خبر آنلاین؛ احتمال اسیدپاشی به زنان بدحجاب وجود دارد(!)

اسیدپاشی چقدر می‌تواند روی اقتصاد این شهر اثر بگذارد؟

توصیه‌هایی برای مواجهه احتمالی با اسیدپاشی(!)

آرمان؛ اسیدپاش‌ها به بهشت نمی‌روند.

ابتکار؛ اسیدپاشی مشکوک!

ایران؛ دست‌های پنهان در اسیدپاشی اصفهان

آرمان؛ اسیدپاشی مشکوک در اصفهان

توهین به قربانیان مظلوم، باحجاب و با اخلاق

زنجیره‌ای‌ها برای تکمیل سناریوی خود و نسبت دادن این رفتار غیر انسانی به قشر مومن جامعه چاره‌ای نداشتند جز اینکه

آسیب‌دیدگان را، بی‌حجاب! معرفی کنند! اما واقعا چنین بود!؟

سهیلا یکی از آسیب‌دیدگان است. او 27 ساله و وکیل دادگستری است، دختری با حجاب و از خانواده معظم شهدا! اما

زنجیره‌ای‌ها به این حرف‌ها توجهی ندارند و برای رسیدن به هدفشان، پروایی ندارند که دختری تحصیل کرده و وابسته به

خانواده شهدا را بی‌حجاب و بدحجاب معرفی کنند! مادر یکی دیگر از آسیب‌دیدگان هم عکس دخترش را با پوشش چادر به

خبرنگاران نشان داده و از اینکه گفته می‌شود اسیدپاشی به خاطر بی‌حجابی است گلایه می‌کند، او دلخور است که دختر او،

بدحجاب معرفی شده و به این اسم و رسم شناخته شده است. با این همه تا لحظه تنظیم این گزارش، باز هم رسانه‌های

زنجیره‌ای از این رفتار زشت و توهین‌آمیز با آسیب‌دیدگان دست بر نداشتند و به جای مرحم نهادن بر زخم کسانی که با

توحش و قساوت، با اسید سوخته بودند، روح و آبروی آنها را هدف گرفتند و بی‌هیچ پروا و ابایی آنها را افرادی بی‌قید

معرفی کردند که از سوی افرادی تندرو بخاطر بی‌قیدی و بدحجابی تنبیه شده بودند! این دروغ آنقدر تکرار شد که کم کم

حتی به مخاطب فرصتی برای اندیشیدن و پرسش از آمار این حوادث داده نشد!

همه آسیب‌دیدگان

به رغم دروغ‌پراکنی‌ها و وحشت‌افزایی در جامعه، دکتر فریدون عابدینی، رئیس بیمارستان سوانح و سوختگی اصفهان بهتر از

هر کسی درباره تعداد آسیب‌دیدگان خبر داد. او می‌گوید: کلا در حوادث مختلف 4 نفر با اسید مورد حمله قرار گرفته‌اند. وی

با اشاره به جزیی بودن مصدومیت برخی قربانیان چهار حادثه اسیدپاشی گفت: دو مورد از حادثه اسیدپاشی به حدی جزیی

بود که مصدومین سرپایی درمان و بلافاصله مرخص شدند، اما دو مصدوم دیگر برای ادامه درمان در بیمارستان بستری

شدند.

وی افزود: سه تن از مصدومین اصفهانی و چهارمی نیز یک خانم افغانی است که به صورت سرپایی درمان و مرخص شد.

اسید به چهره حجاب

قشر متدین جامعه سال‌هاست مسئولان قضایی و مسئولان انتظامی کشور را درباره افزایش بی‌حد ارادل و اوباش و حمله و

تعدی به نوامیس مردم بویژه بانوان محجبه مورد سوال قرار می‌دهند و بارها رئیس محترم قوه قضائیه را وادار به واکنش در

این رابطه کرده‌اند.

حوادث اخیر، نشان داد که برخلاف ادعای دروغ‌گویان و مدعیان، مسلمانان مومن و با شرافت، هرگز دست به رفتارهای

غیرانسانی اینچنینی نروده و بر عکس همیشه قربانی این نوع رفتارها بوده‌اند. زمان زیادی از شهادت شهید علی خلیلی

نگذشته است که در راه دفاع از ناموس یک زن مسلمان به شهادت رسید. شهید هادی محبی، شهید ناصر ابدام و شهیدان

دیگر کاروان امر به معروف همگی در حال دفاع از ناموس مسلمانان به شهادت رسیدند آنهم در حالیکه ارادل و اوباش به آنها

حمله‌ور شده بودند و قصد تعدی و تجاوز داشتند. با این حساب می‌توان به یقین رسید که اسیدپاشی، همانقدر که چشم و

چهره دختران معصوم اصفهان را سوزاند، چندین و چند برابر به صورت حجاب و عفاف لطمه زد و آن را سوزاند.

قطعا این موضوع از یک جریان هدفمند و حساب شده حکایت دارد. فراموش نکرده‌ایم که وقتی چند زن مفتضح و هرزه در

شهر مقدس قم با وضع زننده دستگیر شدند، صریحا اقرار کردند که توسط افرادی مامور بودند که در قبال اخذ پول با وضع

زننده در شهر تردد کنند تا قبح این امر را بشکنند! روی دیگر آن سکه را امروز در حمله به نیروهای ارزشی و مومن شاهدیم.

مومنان، شاکیان اصلی

جای تردید نیست، آنها که مومن و مسلمانند عقلا و شرعا، مبرا از این رفتارهای غیرانسانی هستند و در اتفاقات اخیر، شاکیان اصلی ماجرا هستند. بالاترین دلیلی که می‌توان برای این سخن ذکر کرد، بیانات صریح رهبر معظم انقلاب در دیدار با مردم خراسان رضوی است که حتی درباره کسانی که حجاب کامل و درستی ندارند، هرگونه تذکر خشن و توأم با نامهربانی را نفی کردند و تأکید کردند که با روی گشاده، مهربان و اخلاق اسلامی با آنها سخن گفت، دل‌های آنها مومن است و باید با رفتار صالح، زنگار از آینه دل‌هایشان زدود. بدیهی است هیچ‌کس بیشتر از حزب‌الله و مؤمنان به آرمانهای انقلاب و رهبر آن- که حقیقتاً آحاد جامعه را شامل می‌شود- نسبت به سخنان رهبر انقلاب مطیع و عامل نبوده و نیست.

همت عالی مسئولان امنیتی، آرامش‌بخش جامعه

مثل همیشه و در مقابل این همه تشویش و هیاهو، آنچه مردم را به آرامش می‌رساند، سرعت عمل و دقت و هوشیاری عوامل امنیتی و اطلاعاتی کشور است. با این هجمه عجیب رسانه‌ای، باید پذیرفت که موضوع یک حادثه ساده نیست که در لابلای حوادث دیگر پیگیری شود. بلکه یک مسئله خطیر ملی و حیثیتی است. در مرحله بعد، قاطعیت و اقتدار قوه قضائیه است که مردم را به وجود آرامش و ثبات امیدوارتر می‌کند.

دو ماه پیش که یک زن در کرمانشاه هشت زن و مرد را در ایستگاه اتوبوس مورد حمله اسیدپاشی قرارداد و همه را روانه بیمارستان کرد، صرف‌نظر از سکوت مرگبار زنجیره‌ای‌های پرهیاهوی امروز در آن حادثه تلخ، اگر قوه قضائیه حکم شدید و قاطعی درباره عامل آن حادثه (و حوادث مشابه آن) داده بود، امروز شاهد این رخداد تازه و موج‌سواری ضد انقلاب نبودیم. آنچه در حال حاضر اهمیت در خور توجه و ویژه‌ای دارد، نخست درمان آسیب‌دیدگان مظلوم این حادثه است که هم از سوی جانی و هم از سوی رسانه‌های بی‌تقوا آسیب دیده‌اند و در مرحله بعد پیگیری قاطع و عاجل برای شناسایی و مجازات عامل یا عاملان حادثه و روشن شدن همه ابعاد ماجرا.